



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره سی و سوم - پاییز ۱۳۹۶ - از صفحه ۸۶ تا ۹۷

بن مایه‌های تمثیلی - عرفانی گنوسی در منظومه جمشید و خورشید سلمان ساوجی*

زهرا رجبلو^۱، ماندانا علیمی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی گلستان، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

چکیده:

منظومه جمشید و خورشید سلمان ساوجی اثری رمزی و تمثیلی است که تمام اجزای آن از ساختاری واحد و منسجم برخوردار است. این اثر علاوه بر نشان دادن قدرت سلمان ساوجی در داستان‌سرایی و پیوستن مطالب متعدد، نشانه‌آشنایی سلمان ساوجی با میراث غنی ادبی، فرهنگی و عرفانی بازمانده از ادوار پیشین است. بخشی از این میراث متعلق به اندیشه‌های گنوسی و مانوی و نیز حکمت هرمسی است. هدف از انجام این مقاله نشان دادن ردپای این اندیشه‌ها در منظومه جمشید و خورشید است. در این جستار پس از معرفی و تبیین اندیشه‌های گنوسی و ذکر پیشینه با تمدن ایرانیان، تأثیر مضامین گنوسی از جمله دوگانگی ماده و روح، عشق، خواب، سفر، واسطه و آزمایش در این منظومه نشان داده می‌شود. واکاوی این اثر در واقع ارائه تفسیری تازه از آن، هدف دیگر جستار است.

کلید واژه‌ها: بن مایه‌های تمثیلی، اندیشه‌های گنوسی، منظومه جمشید و خورشید، سلمان ساوجی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۵

- پست الکترونیکی نویسنده مسؤول: Ajafari4219@yahoo.com

- پست الکترونیکی: Mandana_alimi@yahoo.com

مقدمه:

مثنوی جمشید و خورشید که سلمان ساوجی آن را در سال ۷۶۳ به نام سلطان اویس به پایان برده است ۳۱۱۴ بیت دارد و به تقلید از خسرو و شیرین نظامی سروده شده است. از ویژگی‌های این مثنوی آن است که سلمان در بین حکایت، ابیات مناسبی در اوزان دیگر از جمله چند غزل، قصیده و رباعی آورده است. «در حقیقت جمشید و خورشید در آغاز رب النوع آفتاب بوده است. «شید» صفت خور نیز است. پرستش خور هم که در همه عالم رایج بوده است و «خورشید» تداعی کننده گرما و زندگی است و به خاطر شکل هندسی که دارد دایره را به یاد می‌آورد. دایره نماد تمامیت است و در داستان‌های پریان به وحدت جویی نفس اشاره دارد. پس انتخاب نام این دو آگاهانه بوده است. گرمای وجود خورشید آن چنان در زندگی جمشید اهمیت دارد که او تصمیم گرفته از شرق تا غرب عالم را طی کند تا به او برسد و به وحدت درونی دست یابد و تولدی دوباره پیدا کند». (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

مراحل داستان و بن مایه‌های تمثیلی در منظومه جمشید و خورشید به اختصار توضیح داده

می‌شود:

۱- کاوش (جمشید بر اثر مستی شدید به خواب می‌رود و دختر زیبایی را در خواب می‌بیند و عاشق او می‌شود و با راهنمایی‌های مهراب بازرگان که پیر باتجربه‌ای است پس از طی هفت مرحله سخت به وصال معشوق می‌رسد).

۲- نو آموزی (جمشید بر اثر گذر از مرحله خامی و بی‌تجربگی و رسیدن به بلوغ فکری و اجتماعی باید وظایفی مانند رهسپاری، دگرگونی و رجعت را انجام دهد. او در سن جوانی از خانواده جدا می‌شود و برای رسیدن به هویت و شخصیت مستقل خود راهی پرنشیب و فراز را می‌پیماید و این هم یکی دیگر از بن مایه‌های تمثیلی - عرفانی است که انسان‌ها با سفر و درک کردن تجارب گوناگون عرفانی به مرحله کمال می‌رسند).

۳- فداکاری و ایثار (جمشید برای رسیدن به هدف خود تا سر حد جان تلاش می‌کند و مصائب زیادی را به جان می‌خرد تا نیمه گمشده خود را بیابد). (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

در حقیقت این مقاله سعی دارد تا تصاویر و بن مایه‌های تمثیلی - عرفانی را که در منظومه جمشید و خورشید به کار رفته بیان نماید و در حقیقت رابطه اثر را از سویی با آفریننده و از

سویی دیگر با خواننده بیان نماید به طوری که گویی تمثیلی از شالوده بینامتنی اثر نشان می‌دهد که این منظومه رنگ و بوی عرفانی دارد.

پیشینه تحقیق

با وجود مطالب مذکور در باره جمشید و خورشید در کتاب‌هایی چون *تاریخ ادبیات ایران* از ذبیح الله صفا، *سخن و سخنوران* از بدیع الزمان فروزانفر و ... تاکنون به ندرت درباره این منظومه مقاله‌ای مسأله بنیاد، با رویکرد پژوهشی نگاشته شده است، البته درباره توجه به خود جمشید و خورشید چند مقاله علمی - پژوهشی با عنوان «*تحلیل عناصر داستانی منظومه جمشید و خورشید*» (ذوالفقاری و اصغری، ۱۳۸۸) و «*تأثیر و تأثر سلمان ساوجی و حافظ شیرازی*» (سازواری، ۱۳۸۹) و «*جمشید در گذر از فردانیت*» (شریفی و اظهاری، ۱۳۹۱) یافت می‌شود. از میان مقاله‌ها، دو مقاله ابتدایی تنها در توجه به اصل داستان، با مقاله مورد نظر شباهت دارد و تفاوت محتوایی و روش‌شناختی این دو از نامشان نیز کاملاً آشکار است؛ اما مقاله سوم یعنی «*جمشید در گذر از فردانیت*» رویکرد تحلیل و نوع مسأله با پژوهش مورد نظر ما اختلاف فاحش دارد، از نظر دستاورد تحقیقی نیز هیچ شباهت و هم‌پوشانی با این مقاله ندارد. در مقاله یاد شده به کمک روش یونگی در تفسیر کهن‌الگویی، به کیفیت سفر قهرمان از من به سوی تکامل فردیت با سایه خویش، مواجه شده و با کمک آنیما (خورشید) به کمال خود دست یافته است. از این رو، مقاله حاضر با نقدی عملی و علمی، راهکارهای کاربردی برای واکاوی ژرف ساخت متون ادبی و بازنگری در مفاهیم آنها عرضه می‌کند.

چهارچوب نظری تحقیق:

«گنوس در اصل از واژه یونانی Gnosis به معنای دانستن است» و «با واژه‌های Know در انگلیسی و Jnana در سانسکریت هم‌ریشه است». (بهار، ۱۳۸۲: ۷۴). «این واژه اصطلاحاً به معنی معرفت و عرفان به کار رفته است. معرفتی که از راه کشف و شهود، مکاشفه یا به گونه‌ای باطنی و رازآمیز از راه دل به دست می‌آید». (اسماعیل پور، ۱۳۸۲: ۱۹۱). پیروان این آیین گمان داشتند که به کل حقیقت دست یافته‌اند. «در این آیین روح انسان می‌آموزد که چگونه پس از

آزادی بار دیگر به جهان روح که از آن به جهان مادی سقوط کرده بود، باز می‌گردد و آموزش آن بر اساس دوگانگی و تضاد ماده و روح قرار دارد». (بهار، ۱۳۸۲: ۱۷۴). «بنابراین حکمت گنوسی نوعی شناخت عرفانی است اما در عرفان شرقی قبل از عیسی در اوایل تاریخ میلادی، رنگ مسیحی به خود گرفت و بعضی از اهل تحقیق آن را از عقاید یهود دوره قبل از عیسی و برخی از نفوذ مصر یا ایران دانسته‌اند». (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۲۳). «قلمرو گسترش این مشرب عرفانی در دوره‌های آغازین مسیحیت در سوریه، مصر، فلسطین، بین‌النهرین و جنوب غربی ایران بود که به تدریج دامنه نفوذ آن به سرزمین‌های دیگر نیز کشیده شد». (اسماعیل پور، ۱۳۸۳: ۱۱۹۹).

«هم‌چنین در آیین اسلام، دو شاخه اصلی زندگه به نام غلات و شیعه و اسماعیلیه نیز گنوسی‌اند». (اسماعیل پور، ۱۳۸۳: ۹۵). از بین گروه‌های دیگری که از عناصر آیین گنوسی بهره گرفته‌اند، می‌توان از جمعیت اخوان الصفا نام برد، «اخوان الصفا که در رسائل خود عناصر متفاوت و گاه متضادی را از منابع گوناگون اقتباس کرده بودند، از برجسته‌ترین نمایندگان جهان بینی گنوستیکی در دوران خود محسوب می‌شدند». (شرف الدین خراسانی، ۱۳۷۷: ۲۵۴).

«عارفان عصر اسلامی شیوه سوری - مصری آیین گنوسی را در پیش گرفته‌اند، نه نظام گنوسی ایرانی، مانوی را؛ چون شیوه سوری - مصری گنوسی با روح یکتاپرستی اسلامی نزدیک‌تر بود تا با ثنویت و آمیختگی نور و ظلمت در نزدمانی که به دور از وحدت جهان است. مکتب سوری - مصری گنوسی از طریق آرای هرمس توانست بین مسلمانان رسوخ کند و دامنه وسیع آن را در مراکز مهم دینی دنیای اسلام از جمله در بغداد و حران می‌توان مشاهده کرد. عقاید هرمسی که شالوده‌ای کاملاً گنوسی داشت در اندیشه‌های عرفان اسلامی به ویژه در عرفان شیعی جذب شد و بدین‌گونه می‌توان تداوم فرهنگ پیش از اسلام را در نخستین اعصار اسلامی جست و جو کرد». (اسماعیل پور، ۱۳۸۲: ۲۲۳-۲۲۴).

«سرچشمه تأثیر آرای گنوسی در تصوف اسلامی را می‌توان نیمه دوم قرن چهارم، یعنی زمان تصنیف رسائل اخوان الصفا برشمرد. اخوان الصفا اگرچه گروهی شیعی و متمایل به افکار عرفانی بوده‌است، مأخذ آثار آن فیثاغورثی، هرمسی و مکاتب حران آمیخته با حکمت مشائی

بوده‌است. بنابر نظر هانری کربن میان صابئین و اسماعیلیه نیز اثرپذیری‌هایی وجود داشته‌است.» (نصر، ۱۳۵۹: ۵۴ و ۶۳). «آرای یکی از فرق اسماعیلیه سده پنجم هجری به نام «دروزیه» و آرای ملاحظه در سده ششم باعث ورود اندیشه‌های گنوسی در میان عارفان و شاعران این قرن گردید.» (الیاده، ۱۳۷۳: ۵۰).

براساس پژوهش‌هایی که درباره فرقه‌های گنوستیک صورت گرفته‌است، می‌توان چند محور اصلی را در عقاید آنان تشخیص داد که عبارتند از:

۱- «ماده دشمن روح است؛ چنان که شر دشمن خیر است، بنابراین تن را باید حقیر شمرد.» (بهار، ۱۳۸۲: ۷۶).

۲- «اهمیت شناخت؛ گنوسیان بیش از هر چیز به مسأله شناخت اهمیت می‌دادند. شناخت در دیدگاه آنان شناخت قلبی و بی‌واسطه بود؛ چنان که عارفان ایرانی نیز به این امر تأکید داشته‌اند. شناخت به گمان گنوسیان در وهله نخست باعث خویش‌شناسی و جاودانگی روح انسان می‌شود.

۳- سقوط و هبوط روح علوی از آسمان به جهان پست طبیعت؛ گنوسیان می‌گویند انسان در آغاز آفرینش موجودی ایزدی و آسمانی بود که عاشق طبیعت مادی زمین شده و از بهشت ازلی به جهان خاکی هبوط کرد.

۴- یکی بودن روح انسان با خداوند؛ از نظر گنوسیان روح راهنما یا مرشد با روح خداوند از یک گوهر است. چنان‌که در *انجیل آمده‌است*: خداوند روح حیات را در آدم دمید و آدم زنده شد.» (اسماعیل پور، ۱۳۸۳، ۱۹۱-۱۹۴).

«تا آنجا که از مقایسه مجموع مآخذ و معلومات موجود بر می‌آید، مذاهب گنوسی در مفهوم اعم خویش در این نکته تقریباً وحدت نظر دارند که نیل به مرتبه عرفان به روح انسان امکان می‌دهد تا با تلقی بشارت الهی از اسارت ماده که دنبال هبوط به عالم سفلی برای وی حاصل آمده‌است رهایی یابد.» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۳۷۵).

بن‌مایه‌های تمثیلی - عرفانی منظومه جمشید و خورشید

بن‌مایه (Motif): «فکر، موضوع یا درون‌مایه‌ای است که به صورت تصویر، شیء، عمل، شخصیت و یا آرکی تایپ در آثار ادبی تکرار می‌شود. وجود بن‌مایه‌های مشترک در داستان‌ها

نشان دهنده تأثیر پذیری آنها از یکدیگر است». (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۵۳).

از مطالعه منظومه جمشید و خورشید به بن‌مایه‌های تمثیلی دست می‌یابیم که به شرح زیر می‌باشد:

۱ - تمثیلی از اولین جرقه عشق

در داستان‌های بزمی آغاز عشق و دلدادگی به اشکال مختلف روی می‌دهد یا با دیدار مستقیم و یا دیدن تصویر معشوق است و در برخی از داستان‌ها ممکن است با شنیدن وصف معشوق عشقی در دل عاشق به وجود می‌آید. مانند رودابه که با شنیدن وصف زال عاشق او شد، بدون این که او را دیده باشد و یا ممکن است آغاز عشق و دلدادگی در موقعیت‌هایی چون خواب و رؤیا صورت پذیرد و یا نگاهی عرفانی داشته باشد. مانند عاشق شدن خسرو بر شیرین، وامق بر عذرا و در منظومه مورد نظر ما عاشق شدن جمشید بر خورشید که در خواب اتفاق افتاده است.

چو روی خود بهشتی دید در خواب روان در وی چو کوثر چشمه آب

۲۶۵

چو بیدل شد ملک فریاد بریست بجست از خواب و خواب از چشم او جست

۲۹۰

همی زد دست بر سر سنگ بر بر که نه دل داشت اندر بر نه دلبر

۲۹۱

۲ - تمثیلی از خواب

در بسیاری از داستان‌های بزمی آغاز عشق و دلدادگی در خواب اتفاق می‌افتد. پس در آغاز این داستان‌ها با پدیده خواب روبرو می‌شویم هم‌چنین در جریان داستان که قرار است گره‌های داستان باز شوند داستان‌پرداز از پدیده خواب استفاده می‌کند و از آن به عنوان کلید گشایش گره‌های داستان استفاده می‌کند. در آغاز این منظومه جمشید در عالم خواب خورشید زیبارو را می‌بیند و عاشق او می‌گردد و در ادامه داستان جایی که عاشق، پنهانی به دیدار معشوق رفته، پس از باده‌نوشی به خواب می‌رود و در این فرصت خورشید از کنیزان و اطرافیان او تجسس

می‌کند که او کیست؟ و چه کاره است؟ و این در حالی است که شب‌های گذشته جمشید از دیدگانش خون‌گریه می‌کرد و خواب به چشمان او راه نمی‌یافت ولی امشب که باید با معشوق خود اوقات خوشی را سپری کند، به خواب عمیقی فرورفت. در حقیقت خواب و رؤیا تمثیلی از عرفان است که روح از جسم خارج می‌شود و به دنیای ماورایی می‌رود.

صنم جامی پر آب زندگانی به شادی خورد با جم دوستگانی

۱۳۰۱

چو نرگس سرگران گشتش ز مستی ز بالا کرد سروش میل پستی

۱۳۲۰

به شکر گفت، جم را خیز و دریاب که چون چشم خود از مستی است در خواب

۱۳۲۲

گل و بید کنار و سبزه و آب شکر بیدار و خسرو در شکر خواب

۱۳۲۷

تمثیلی از چاره‌گری اطرافیان

در داستان‌های بزمی وقتی حادثه‌ای اعم از عشقی، بیماری و یا انزوای عاشق روی می‌دهد معمولاً نزدیکان وی به چاره‌اندیشی می‌پردازند. چاره‌گری ایشان گاهی به صورت نصیحت و اندرز به عاشق است که این به نوعی تمثیل از راهنما و پیر و مرشد را برای بازماندگان و گمراهان دارد که در بیشتر موارد نصیحت‌گران پی می‌برند که عاشق در عشق خود صداقت دارد و عشق بر او غلبه کرده است بنابراین از نصیحت دست می‌کشند و عاشق را به حال خود وا می‌گذارند. نوع دیگر چاره‌گری دعا و نیایش است که یا از پیری مستجاب‌الدعوه که به عنوان مرشد است می‌خواهند برای شفای درد جنون عشق، دعا کند و یا عاشق را به سفر حج می‌برند تا با توسل به خانه خدا مشکل حل شود، این اقدام نیز غالباً نتیجه دلخواه اطرافیان را در پی ندارد و ممکن است عاشق را در عشق خود راسخ‌تر نماید؛ چنانکه وقتی پدر مجنون در کار پسر خود درماند او را به زیارت خانه خدا برد و به او گفت که به این خانه متوسل شو و از خدا بخواه مشکلت را حل کند، اما مجنون هنگام توسل به خانه کعبه از خدا خواست عشق او

را به لیلی بیشتر کند و به عمر لیلی بیفزاید.

از عمر من آنچه هست برجای بستان و به عمر لیلی افزای

(نظامی، ۱۳۸۳: ۴۱۴).

روش چاره گری دیگر در این قبیل داستان‌ها این گونه است که برای پایان دادن به ماجرا، دختر را مجبور می‌کنند با فرد دیگری ازدواج نماید. در منظومه جمشید و خورشید وقتی پادشاه چین و همسرش فهمیدند پسرشان عاشق شده است او را نصیحت کردند که دست از این کار بردارد، اما پند و نصیحت چاره کار نبود زیرا جمشید عاشق‌تر از آن بود که پدر و مادرش تصور می‌کردند.

۴۴۳	حدیثش سر به سر خواب و خیال است	پدر گفت: «این پسر شوریده حال است
۴۴۴	به یک بار از خرد بیگانه گردد»	همی ترسم که او دیوانه گردد
۴۴۵	علاج جان بیمار پسر کن	به مادر گفت: «تیمار پسر کن
۴۴۶	نبود آن پند مادر سودمندش	همایون هر زمان می‌داد پندش
۴۴۷	خیالش در نظر خون‌ریزتر بود	دلش را هر دم آتش تیزتر بود

تمثیلی از دیدارهای نهانی

دیدارهای نهانی عشاق گاهی به کمک واسطه صورت می‌گیرد و گاهی به بهانه معالجه معشوق و جز آن تا بدین وسیله اندکی آتش عشق آنها التیام یابد. عشاق معمولاً در باغ و یا مجلس بزم یکدیگر را ملاقات می‌کنند و گاهی نیز به دلیل دسیسه جاسوسان و رقیبان این دیدار میسر نمی‌شود و یا عواقب ناگواری را در پی دارد. در این منظومه جمشید در لباس بازرگانی که از چین در، گوهر و پارچه‌های الوان به روم آورده وارد کاخ خورشید می‌شود و او را می‌بیند و در جای دیگر دیدار پنهانی آنها در باغی اتفاق می‌افتد.

۱۰۹۳	ز جا جست و روان شد سوی خورشید	ملک چون ذره با جان پرامید
۱۰۹۴	دو عقد در که در عمان نباشد	دو درج لعل کان در کان نباشد

- به رسم تحفه با خود برگرفت آن چو باد آمد بدان خرم گلستان ۱۰۹۵
چمان در باغ چون سرو سهی شد به نزد برج ماه خرگهی شد ۱۰۹۶

معمولاً دیدارهای پنهانی از عشق نهانی که منجر به عرفان و عشق الهی می‌شود همان بن‌مایه‌های گنوسی است که پدیدار می‌گردد؛ زیرا در خلوت و نهان‌خانه خلوصی نهفته است که می‌توان به خلوت‌خانه دل اشاره نمود.

تمثیلی از سفر

در داستان‌های بزمی اولین اقدام عاشق برای وصال محبوب سفر کرده‌است. سفر یکی از بن‌مایه‌های گنوسی است در حقیقت فرار از خود و رسیدن به محبوب و معشوق اصلی است؛ زیرا سفر تمثیلی از رسیدن به انسان کامل و والا می‌باشد و پیامد آن پخته شدن انسان از حوادث و تجربه‌های گوناگون است که معمولاً کسی یا کسانی او را همراهی می‌کنند و با خاطرات و خطرات و حوادث سهمگینی همراه است. اگر سفر دریایی باشد طوفان و غرق شدن کشتی را در پی دارد. معمولاً عاشق زنده می‌ماند و به کمک تخته پاره‌ای خود را به ساحل می‌رساند و نجات می‌یابد و در سفرهای غیر دریایی مواجهه با دیو و اژدها، گم کردن راه، گذشتن از مهلکه روی می‌دهد. در حقیقت اینها تمثیل سیر، تحول و تکامل انسان در رویارویی با مشکلات است. در این منظومه هم جمشید وقتی در می‌یابد دختر زیبارویی که در خواب دیده‌است دختر پادشاه روم است به همراهی مهرباب بازرگان به سفری دور و دراز می‌رود و در مسیر که طی می‌کند با خطراتی همچون غرق شدن در دریا، مواجهه با اکوان دیو، سرزمین پریان و سرگردانی در بیشه روبرو می‌شود و در جایی هم با کشیش پیر ملاقات می‌کند و کشیش به نصیحت او می‌پردازد.

- نهاد آنگه ملک ساز ره آغاز به یک مه کرد برگ رفتنش ساز ۵۷۱
بسی شد هودج و کوس و علم، راست هیونان را به هودج‌ها بیاراست ۵۷۴
به روز فرخ و فال همایون ملک جمشید رفت از شهر بیرون ۵۸۳

تمثیلی از واسطه

برای رسیدن عشاق به یکدیگر لازم است شخصی مانند دایه، دوست، بازرگان، پیر و ... میانجی‌گری کند و راه رسیدن به مقصود را هموار نماید. در این داستان مهرباب بازرگان نقش واسطه را دارد و در طول مسیری که جمشید از چین به روم می‌رود او را راهنمایی می‌کند و در جایی نیز در قالب کشیش در می‌آید و به نصیحت او می‌پردازد. در حقیقت پیر، واسطه و میانجی همیشه برای رسیدن به تکامل لازم است. باید بدانیم این واسطه‌ها انسان‌ها را به سر منزل مقصود می‌رسانند و اگر نباشند انسان‌ها به گمراهی می‌رسند. در پایان داستان که جمشید در بیشه‌ای انبوه سرگردان شده‌است موقتاً اثری از مهرباب نمی‌بینیم.

در آن منزل که جان از ترس می‌کاست	دو ره گشتند پیدا از چپ و راست ۶۱۸
ملک، مهرباب را گفت: «اندر این راه	چه می‌گویی؟» جوابش داد کای شاه ۶۱۹
طریق راست راه مرز روم است	همه ره کشور و آبادبوم است ۶۲۰
ره چپ هم ره روم است لیکن	در آن ره ز آدمی کس نیست ساکن ۶۲۱
طریق راست رو یک‌ساله راه است	طریق رفتن چپ چار ماه است ۶۲۲

نتیجه

منظومه جمشید و خورشید اثری است که در آن بن‌مایه‌های تمثیلی - عرفانی گنوسی که همان مراحل عروج و تکامل روحانی قهرمان داستان است به کار رفته‌است. به علت کهنه بودن این اثر کمتر کسی از منظرهای گوناگون به آن پرداخته‌است. این مقاله در این داستان سیر هبوط روح به جهان مادی و داستان خلقت جسمانی انسان از مبدل شدن نفس نامیه به نفس حیوانی، تولد انسان و دلبستگی‌های دنیوی و سرگردانی او در دنیای مادی را به شیوه‌های تمثیلی - عرفانی توضیح می‌دهد. مضمون این داستان به هر صورتی که تفسیر شود دارای درون‌مایه‌ای اخلاقی و عرفانی است و اگرچه از مضامین نوظهور و بی‌سابقه عرفان اسلامی نیست دیرینه‌ای بسیار کهن دارد و جوهر اندیشه آن گنوسی به شمار می‌رود. منظومه جمشید و خورشید از ساختاری سه‌گانه تشکیل شده‌است. الگوی خطی، الگوی متفاوت، الگوی دایره‌ای. این ساختار

سه‌گانه یادآور تقسیم‌بندی سه‌گانه مراحل خودآگاهی است. نخست دانش تن و دوم دانش روح است و سوم دانش تن و روح است. این الگوهای سه‌گانه ساختاری به سمبل‌های فرازبانی منتهی می‌شود. در حقیقت روح پس از هبوط یا سقوط در نفسانیات، مجدداً راه تعالی و کمال روحی را در پیش می‌گیرد و به نوعی سیر روح به جهان مادی و داستان خلقت جسمانی انسان از تبدیل نفس نامیه به حیوانی، تولد انسان و دلبستگی‌های دنیوی و سرگردانی او در دنیای مادی را به شیوه‌ای تمثیلی توضیح می‌دهد. سراینده این منظومه به مدد دستاوردهای فرهنگی عرفان اسلامی میراث بینش‌های گوناگون از جمله اندیشه‌های گنوسی را در نگرشی یگانه آورده‌است. اندیشه گنوسی طرح شده در این منظومه عبارتند از: تمثیلی از اولین جرقه عشق، تمثیلی از خواب، تمثیلی از شکار، تمثیلی از چاره‌گری اطرافیان، تمثیلی از دیدارهای نهانی، تمثیلی از سفر، تمثیلی از واسطه.

منابع و مأخذ:

۱. اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، «دیباچه مثنوی معنوی و اشعار گنوسی»، در زیر آسمانه‌های نور، پژوهشکده مردم‌شناسی و افکار.
۲. -----، (۱۳۸۲)، «مضمون گنوسی در حکایت شیخ صنعان»، در زیر آسمانه‌های نور، پژوهشکده مردم‌شناسی و افکار.
۳. لیاده، میرچا، (۱۳۷۳)، آیین گنوسی و مانوی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: افکار.
۴. بهار، مهرداد، (۱۳۸۲)، ادیان آسیایی، تهران: چشمه، چ چهارم.
۵. جلالی، علیرضا، (۱۳۸۴)، ساختار گنوسی قصیده عینیه ابن سینا، نامه فلسفی، ج ۱، ش ۲، ص ۱۰۲-۸۵.
۶. جوشقانی، خواجه شعیب، (۱۳۸۹)، وامق و عذرا، مصحح حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو، تهران: چشمه.
۷. خراسانی، شرف‌الدین، (۱۳۷۷)، دایره المعارف بزرگ اسلامی: اخوان الصفا، ج ۷، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چ دوم.
۸. زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۳)، جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر، چ دوم.
۹. ساوجی، سلمان، (۱۳۴۸)، مثنوی جمشید و خورشید، مصحح فریدون وهمن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۰. شریفی، غلامحسین، (۱۳۹۱)، «جمشید در گذر از فردانیت»، بوستان ادب، ش ۱.
۱۱. نصر، حسن، (۱۳۵۹)، نظر متفکران اسلامی در باره طبیعت، تهران: خوارزمی، چ سوم.
۱۲. نظامی، الیاس بن یوسف، (۱۳۸۳)، خمسه نظامی، مصحح سامیه بصیر پژوهی، تهران: دوستان.



**Journal of Research Allegory in
Persian Language and Literature**
Islamic Azad University- Bushehr Branch
No. 33/ Autumn 2017

allegorical motifs- mystical Gnostic in book Jamshid and Khorshid Salman Savedji*

Zahra Rajablou¹, Mandana Alimi²

1- Student Masters Golestan Institute of Higher Education, Golestan, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran.

Abstract

Jamshid and Khorshid book written by Salman Savedji is a symbolic and allegorical book that all of its components are unified structure. This book shows familiarity of him with rich heritage of literary, cultural and spiritual legacy of the previous periods in addition to showing strength of him in his storytelling and joining of various materials. Part of this heritage belongs to the wisdom of the Gnostic thoughts and Manu and Hermes. The purpose of this article is to show traces of these ideas in the book Jamshid and Khorshid. In this paper, after introducing and explaining the Gnostic ideas and the history of Iranian civilization, the influence of Gnostic themes, including the duality of matter and spirit, love, sleep, travel, mediating and testing were shown in this book. Analysis of this work is in fact offering a fresh interpretation of the purpose of the query.

Keywords: allegorical motifs, Gnostic thoughts, Jamshid and Khorshid, Salman Savedji

* Receive: 2017/01/16 Accept: 2017/07/27

E-Mail: Ajafari4219@yahoo.com